



شماره  
**۷**  
 چهارشنبه ۱۳۹۷/۶/۷  
 هفدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران-مبارک

سردبیر: گیتی صفراوه / مدیر هنری: زینت هاشمی سی سخت  
 مترجم: سپهر شریف زاده / خبرنگار: مونا سلیمانی  
 عکاس: رضا معطران / اهدایاها: نیگو  
 با همکاری هیوسته و سمنانه کلته نیروهای دیرخانه جشنواره نمایش عروسکی

**خام‌دیر و همکاران در اقیانوس شب**

قصه هفدهمین جشنواره عروسکی به پایان رسید.

**روی پرده**

مجید بشکال  
 کارگردان نمایش مکتب

عروسک بازیچه دوران کودکی ماست. که با آن می‌ساختیم و خیال می‌کردیم. او ما را به رویا می‌برد و آنچه که نمی‌شود دید را به ما نشان می‌دهد.  
 عروسک از درون می‌گوید، از آرزوها.



مهریان غلامیان



کارگردان تئاتر عروسکی «عروسک‌های من» در بخش تجربه جشنواره ی بین‌المللی تهران مبارک از ابتدای ساله

می‌شود با عروسک‌ها حرف‌هایی زد و کارهایی کرد که در تئاتر غیر عروسکی نمی‌شود. عروسک یعنی جادو و تئاتر عروسکی یعنی جادوگری. دنیای ما بچه‌ها به این جادو خیلی نیاز دارد. به نظر من توی کشور ما تئاتر عروسکی و اهمیتش خیلی کم‌تر است. حتی توی تلویزیون هم کارهای عروسکی انجام نمی‌شود. انگار که بچه‌ها را فراموش کرده‌اند. دنیای ما بچه‌ها عروسکی است. دنیای ما را از ما بگیرند.

**عروسک‌ها دوستدار طبیعت اند**



**پشت پرده**

کتاب میثاق نظری عروسکی و استقبال عروسکی‌ها



اولین بازیچه‌ها... یاد ایام به خیر!

وزیر ارشاد در حلقه عروسکی‌ها

به پایان آمد این حکایت همچنان باقی

**از نگاه**

مهدی جیبی / کارگردان نمایش کاسه گردان فکر می‌کنم قسمت رقص عروسک‌ها که یک رقص آیینی هم است جذابیت بیشتری داشته باشد. این عروسک‌ها کشورهای زیادی را رفتند؛ ترکیه، کرواسی، ایتالیا، بوسنی و امارات. یکی کاری است که جذابیت بصری زیادی دارد و شاید روزی که این طرح را نوشتم و عروسک‌هایش ساخته شد فکرش را هم نمی‌کردم که اقتدر مورد استقبال قرار بگیرد. گرچه هدفم هم همین بود. خاطره‌ای یاد است از سلیمانیه عراق که رفته بودیم. از روز آنجا باقیمان ما شد ۱۴ روز و ما در کل دانشگاه‌های سلیمانیه و اربیل با همین عروسک‌ها کار اجرا کردیم.



مریم ضیایی / کارگردان اسپ اینوس صحنه روبرو شدن هرمز با پیرزاد که برای اولین بار یکدیگر را می‌بینند و اولین جرعه عشق زده می‌شود به نظرم مهم‌ترین بخش داستان است و از آنجا داستان تازه شروع می‌شود.



افشین قاسمی / کارگردان تاریخ خاکم را صدا می‌زند صحنه‌ای که قهرمان قصه ما تصمیم می‌گیرد تنبلی را کنار بگذارد و برود به جنگ دیوها چون تصویر نهایی این شخصیت است و با چیزی که در تئاتر نیست می‌خواهد بچکند.



**راه را به شادی بی‌مؤدیم**



**قدمتان روی چشم**

رالدکو رادولسکو منتقد و تهیه کننده تئاتر رومانیایی است. او یکی از مهمانان خارجی جشنواره عروسکی بود که اجراهای بسیاری را دید. او درباره تجربه حضورش در جشنواره گفت: نکته جالب درباره این جشنواره این است که آدم بزرگ‌ها هم برای دیدن عروسک‌ها (اجراها) می‌آیند و تعدد، رفتار و علاقه مندیشان بی نظیر است. نکته جالب دیگر داشتن فرصت برای گفتگو است مثلاً بازیگران درست بعد از اجرا به فضای سان می‌آیند و می‌شود با آنها گفتگو کرد.

رادولسکو درباره اجراهایی که توجهش را جلب کرده می‌گوید: بهترین اجراها تا الان برای من سمین و فرزنان و ابرای عروسکی خیام بوده‌اند. اجراهایی بسیار دیدنی و شگوهمند. مثلاً درمورد اجرای سمین و فرزنان یکی از دلایل علاقه‌ام متوجه شدن داستان بود چون این اجرا بر اساس یک داستان سنتی روسی بود و من همیشه فکر می‌کردم این داستان آنقدر ساده است که نمی‌توان اجرای هیجان انگیزی از آن درست کرد، اما این اجرا مرا تحت تاثیر قرار داد.

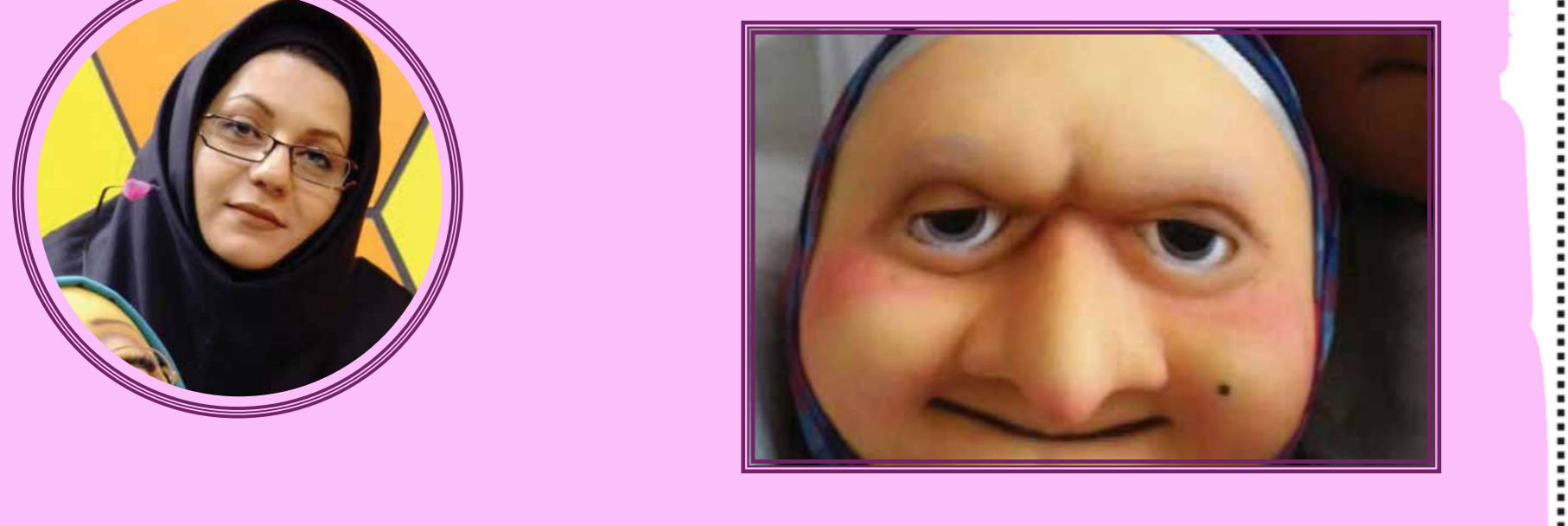
او از طنزی هم که کارگردانان ایرانی در اجرایشان استفاده می‌کنند تعریف می‌کند و برایش دوست داشتنی است. رادولسکو امیدوار است که همکاری بین تئاتر عروسکی ایران و رومانی شکل بگیرد و می‌خواهد نمایش‌هایی از ایران را برای اجرا به رومانی دعوت کند.

**دنیای آنها که عروسک‌ها را دوست دارند**

در جشنواره امسال از سه هنرمند عرصه نمایش عروسکی تجلیل و قدر دانی می‌شود که در مراسم اختتامیه امروز خواهید دید. آنها که در دنیای عروسک‌ها زندگی می‌کنند، رویاها و تخیلاتشان بال پرواز بیشتری دارد. برای همین سرکی کشیدیم به دنیای این هنرمندان تا شما هم با علایق و رویاهایشان آشنا شوید.



زهره صبیری / کارگردان، نویسنده، طراح عروسک و صحنه  
 ۱- محبوب‌ترین قصه‌ات: قصه ی شنگول و منگول چون پدرم آن را برایم تعریف می‌کرد.  
 ۲- محبوب‌ترین عروسکت: همه عروسک‌ها برای من محبوب هستند و هر کدام را یک جور دوست دارم.  
 ۳- محبوب‌ترین نقشت: اسپار تاکوس.  
 ۴- محبوب‌ترین خیالت: بچه ی کاری وجود نداشته باشد.  
 ۵- محبوب‌ترین کلمات: یا خدا  
 ۶- محبوب‌ترین کار نمایشی خودت: همه ی آنها را دوست دارم.



فرشته ابراهیمی / نویسنده، کارگردان، عروسک‌ساز  
 ۱- محبوب‌ترین قصه‌ات: قصه فلوت سحرآمیز.  
 ۲- محبوب‌ترین عروسکت: عروسک کرکی در مجموعه تلویزیونی محله سلامت.  
 ۳- محبوب‌ترین نقشت: نقش مادر در فیلم مادر با بازی خانم چهره آزاد  
 ۴- محبوب‌ترین خیالت: پرواز  
 ۵- محبوب‌ترین کلمات: آرامش  
 ۶- محبوب‌ترین کار نمایشی خودت: نمایش دریاچه فو سال ۸۰ اولین کار موزیکالی بود که خودم با کمترین امکانات به اجرا درآوردم اما خروجی بسیار خوبی داشت.



وحید خسروی / بازیگر، کارگردان  
 ۱- محبوب‌ترین قصه‌ات: شازده کوچولو چون از داستان خیلی الهام گرفتم، انگار که بچگی خودم بوده و من همیشه از کشف کردن، سفر کردن و پیدا کردن چیزهای ناشناخته لذت می‌بردم.  
 ۲- محبوب‌ترین عروسکت: زی زی گولو، من عاشق عروسک زی زی گولو بودم چون بلند بود جادو کند و همیشه این حس را برای خودم خیلی دوست داشتم؛ در واقع این رویای بچگی‌ام بود.  
 ۳- محبوب‌ترین نقشت: نقش مبارک، من سال‌ها بدون اینکه کسی خبردار باشد حاجی فیروز می‌شدم و برای بچه‌ها برنامه اجرا می‌کردم و چون صورت من با گرمی می‌کردم و بخاطر لباسی که می‌پوشیدم، هیچ وقت کسی مرا نمی‌شناخت. این به من مزه می‌داد و خیلی حال خوبی بود وقتی که خنده را روی لب مردم می‌بینی اما آنها تو را نمی‌شناسند.  
 ۴- محبوب‌ترین خیالت: اینکه قدرتی داشته باشم که بتوانم غم و غصه را از بین ببرم و حال خوب بیارم. حال خوب می‌تواند برای همه باشد. مثلاً اگر کسی مشکل مالی داشت دوست دارم قدرت کمک کردن به او را داشته باشم و بتوانم حالش را خوب کنم.  
 ۵- محبوب‌ترین کلمات: خندیدن.  
 ۶- محبوب‌ترین کار نمایشی خودت: تمام کارهایم را دوست دارم چون تمام کارهایم را با عشق انجام دادم و دوستشان دارم اما اگر بتوانم انتخاب کنم پسر صیاد را فوق العاده دوست دارم.



**یک اتفاق تازه**

علاوه بر مجموعه تاتر شهر، مجموعه خانه هنرمندان، کانون پرورش فکری و تالارهای حافظ و فردوسی از مراکز دیگری بودند که نمایش‌ها در آنجا اجرا می‌شد و همکاری با جشنواره داشتند. کانون پرورش فکری با توجه به نزدیکی بیشتری که با موضوع و کار جشنواره داشت، از قبل و زمان اجرا به طور فعال‌تری در وسط ماجرا بود. سعید زین‌العابدین معاون مدیر تاتر کانون پرورش فکری می‌گوید: جشنواره برای کانون پرورش فکری از اول شهر پر شروع نشد بلکه دقیقاً از بعد انتشار فراخوان برای ما هم شروع شد. ما تلاش کردیم بیشتر تعامل را با گروه‌های نمایش عروسکی داشته باشیم بنابراین تا آنجایی که مقدور بود بلاواسطه با در اختیار گروه‌ها قرار دادیم و بسیاری از گروه‌ها نمایش‌هایشان را در پلاوها و سالن‌های ما تعیین کردند و ساخت و سازهایشان هم در کارگاه دکور و عروسک مرکز تاتر انجام دادند. اما از روز اول جشنواره رنگ و بوی آبی گرفت و بچه‌های مرکز تاتر هم سریع شدند. از رنگ آمیزی و شکل و شمایل، مرکز تاتر را آماده کردیم و بعد با افتخار میزبان گروه‌هایی بودیم که هر کدام ویژگی‌های خاص خودشان را داشتند. چه از لحاظ اجرایی و چه تکنیک. بنابراین همینطور که پیش بستی می‌کردیم استقبال از این نمایش‌ها زیاد بود و نمایش‌های خوبی در اینجا اجرا شد. بخصوص کارهای دانش آموزی به ما یادآوری می‌کند که نگاهمان به تاتر دانش آموزی باید به مراتب بهتر، جدی‌تر و مهربانه‌تر باشد. این همه خلاصه در تاتر دانش آموزی موجب شگفتی و تعجب است و ما از این بخش غافل بودیم و فاصله ایجاد شده بود. جشنواره فرصتی را پدید آورد تا ما با نسل آینده تئاتر عروسکی آشنا شویم. این نسل باید وارد موجد حیات و هدایت قرار گیرد تا آینده درخشان‌تری داشته باشیم. شرایطی که جشنواره با شرایط خانم برومند برای گروه‌ها فراهم کرده، باعث شده که آنها اجراهای این مرکز بلکه همه اجراهایی که خودم هم تماشا کردم، دارای تنوع و گوناگونی بودند و نسل فوی او را وارد نمایش عروسکی کرده است. جشنواره باید باعث ایجاد شادی، شور و نشاط و امید باشد که به نظر من موفق‌ترین جشنواره تاتر در این بخش که شور و هیجان هنرگانی که تهران پدید آورده همین نمایش عروسکی بوده است.



**قاب**



**Welcome to Iran**

17th Puppet festival is finished, but we would like to keep saying welcome to Iran. Although you 'll leave Iran, you are always welcome to the world of Iranian puppets, Iranian stories, Iranian artists, and Iranian Artists. We hope that the experience of participating in the Iranian Puppet Festival will give you the opportunity to get acquainted with the rich and ancient Iranian culture and art, as well as the innovation and creativity of Iranian artists. We know that from now on the world of our puppets is bigger and deeper because we have discovered and touched the other worlds, and we are confident that with our puppets we can create more love and sympathy in the world because the puppets' sky is always blue and the puppets want the blue sky for all

